

کارآمدی حقوقی الگوی حکومت مردم سالاری دینی در گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی

منیره اسلامی^۱، تقوی کنانی^۲

چکیده

کارآمدی حقوقی، از نظر تئوریک، ظرفیت و امکان ذاتی یک نظام سیاسی در تأمین اهداف آن است. یکی از این اهداف، تأمین حقوق مردم جامعه و فراهم سازی امکان حضور و نقش آفرینی آنان در نظام سیاسی است. نظریه مردم سالاری دینی به عنوان الگوی مطلوب حکومتی در جهان امروز، در شرایطی که بسیاری از حکومت‌های افراطی و تفریطی جایگاه مردمی، مقبولیت عام یا مشروعيت بین‌المللی ندارند، می‌تواند یکی از شاخصه‌های اصلی در گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی باشد. این مقاله با روش توصیفی و شیوه کتابخانه‌ای، با نگاهی به نظریه مردم سالاری دینی و با صرف نظر از برخی تفاوت‌ها، به بررسی مشترکات آن با ویژگی‌های یک حکومت مطلوب از دیدگاه بین‌المللی می‌پردازد. همچنین با نگاهی به کلیاتی از حقوق فردی و اجتماعی مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به ویژه در فصل سوم (اصول ۱۹ تا ۴۲)، به عنوان مصداقی از کارآمدی حقوقی نظریه مردم سالاری دینی در عالی‌ترین مرجع قانونی، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. هدف پژوهش، بررسی امکان ذاتی و ظرفیت این نظریه در تأمین حقوق مردم و تبلور شکلی آن در این شیوه حکومتی، به عنوان نمونه‌ای از الگوی مطلوب حکومت در گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی است. نتایج نشان می‌دهد که نظام حکومتی مبتنی بر نظریه مردم سالاری دینی، با در نظر گرفتن حقوق فردی و اجتماعی افراد و تکالیف آنان در رابطه دو سویه با نظام حاکم، از کارآمدی لازم برخوردار است تا محتوای خود را در قالب ساختار حاکمیتی خویش اعمال کند و بالحاظ حقوق مردم در عالی‌ترین مرجع قانونی، اهداف مورد نظر را تحقق بخشد.

وازگان کلیدی: مردم سالاری دینی، کارآمدی حقوقی، گفتمان تمدنی
انقلاب اسلامی، الگوی حکومتی مطلوب.

۱. دانش پژوه کارشناسی حقوق و معارف اسلامی، ازشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

نظام‌های حکومتی مختلفی در طول تاریخ شکل گرفته‌اند که برخی از آنها پس از مدتی از میان رفته یا کم‌رونق شده‌اند؛ زیرا یا به اهداف و ویژگی‌های لازم یک جامعه مطلوب دست نیافته‌اند یا مصالح عمومی و حقوق مردم را نادیده گرفته‌اند و در نتیجه زمینه احاطه و انحلال خود را فراهم کرده‌اند. اسلام با ظهور خود در تمامی عرصه‌های زندگی بشر تحولی نو پدید آورد. این دین کامل‌ترین برنامه زندگی را برای شئون فردی، اجتماعی، دینی و اخروی بشر تدوین کرد. پیامبر ﷺ از سال‌های نخست هجرت، بنای حکومت توحیدی اسلام را بنیان نهادند. اسلام با نگاهی جامع، در عرصه‌های مختلف، تمدنی فراتر از قلمرو جغرافیایی خود ایجاد کرد.

در طول تاریخ، نظریه‌های گوناگونی مبنای تشکیل حکومت‌ها بوده‌اند. در میان انواع نظام‌های سیاسی شرق و غرب، دموکراسی و جمهوریت به سبب نقش مردم در حکومت، مورد توجه بیشتری قرار گرفتند و بسیاری از جوامع از این شیوه استقبال کردند. هرچند این نوع حکومت از برخی جنبه‌های ظاهری به مردم‌سالاری نزدیک است، باید توجه داشت که مردم‌سالاری دینی، نظریه‌ای مستقل و کامل با مبانی ایدئولوژیک و اصولی متفاوت است و نباید آن را با دموکراسی سکولار غربی یکی دانست.

امام خمینی رهنماهی با بنیان‌گذاری حکومت جمهوری اسلامی، نظریه مردم‌سالاری دینی را به مرحله اجرا درآورد. با گذشت چند دهه از این الگوی حکومتی و دستاوردهای ثمربخش آن در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی، این نظریه به عنوان الگویی مطلوب در گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی مطرح شده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر همین مبنای شکل گرفته است؛ هرچند در اجرا، موانع و چالش‌هایی وجود دارد که نیازمند بررسی و ارائه راهکارهای مناسب است.

در جوامع گوناگون، به ویژه کشورهای اسلامی، حکومت‌ها بر مبنای فقه‌ها و جریان‌های مختلف فکری و یا با تأثیر از نظام‌های غیردینی شکل گرفته‌اند. برخی از حکومت‌های نوظهور

افراتی نیز امروزه در حال شکل‌گیری‌اند. در این میان، مسئله اصلی این است که حکومت مردم‌سالاری دینی، با نگاه همه جانبه، توحیدمحوری، قوانین مبتنی بر منابع اسلامی، و با تأکید بر مشارکت و حقوق همه اقوام جامعه، چگونه زمینه تحقق ظرفیت‌ها و امکان‌های ذاتی خود را فراهم می‌سازد.

ضرورت و اهمیت توجه به کارآمدی حقوقی یک نظام حکومتی از آن روز است که در جهان امروز، با افزایش سطح آگاهی سیاسی، اجتماعی و حقوقی مردم، حکومت‌های یک‌سویه و تک‌بعدی نمی‌توانند بدون لحاظ نقش مردم در شکل‌گیری و بقای خود، ادعای مقبولیت و مشروعیت داشته باشند. شاید بتوان از منظر سیاسی و با اتکا بر قدرت، حکومتی را ایجاد کرد، اما بقای آن منوط به رعایت حقوق افراد جامعه و ایجاد توازن میان «حق» و «تکلیف» است. فقدان این توازن، موجب نارضایتی عمومی و کاهش انسجام اجتماعی می‌شود و پیامدهای آن نخست در داخل جامعه و سپس در عرصه بین‌المللی نمایان خواهد شد. ازین‌رو، ظرفیت‌های حقوقی پیش‌بینی شده در هر نظام سیاسی می‌تواند بر پایداری و آینده‌نگری آن در مواجهه با چالش‌ها تأثیرگذار باشد و پرداختن به آن، ضروری است که باید مورد توجه نظریه‌پردازان و سیاست‌گذاران نظام قرار گیرد.

۲. مفاهیم

۲-۱. کارآمدی

کارآمدی واژه‌ای است که به سبب تنوع کاربرد در علوم انسانی، معانی گوناگونی از آن ارائه شده است. در نظام سیاسی، کارآمدی از دو حیث بررسی می‌شود: نخست، کارآمدی تئوریک که عبارت است از: میزان ظرفیت و امکان ذاتی نظام سیاسی برای تحقق اهداف مورد نظر؛ و دوم، کارآمدی عملی که مقصود از آن میزان موفقیت نظام سیاسی در تحقق اهداف با توجه به این‌بار، امکانات و موانع موجود است. (شبان‌نیا، ۱۳۹۷، ص ۳۸)

۲-۲. تمدن

در فرهنگ فارسی، تمدن چنین تعریف شده است: «شهرنشین شدن، خوی شهری گزیدن، با اخلاق مردم آشنا شدن، زندگانی اجتماعی، همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگی و فراهم کردن اسباب ترقی و آسایش خود». (عمید، ۱۳۸۹، ۵۳۰/۱) در زبان عربی، تمدن از واژه «مدن» گرفته شده است که به معنای اقامت کردن است. در زبان انگلیسی نیز واژه civilization از ریشه لاتین *civilis* به معنای شهرنشینی گرفته شده و به همین معنا به کار می‌رود (ولایتی، ۱۳۸۴، ۳۳/۱).

در کتاب *التحقيق في الكلمات القرآنية* آمده است که واژه «مدن» از لغت عربی و سریانی گرفته شده و واژه «مدين» و «مدينه» مشتق از ماده «دین» است و به معنای پذیرش و خضوع در برابر برنامه‌ها، قوانین و مقررات آمده است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ۵۵/۱۱).

علامه جعفری در تعریف تمدن می‌فرماید: «تمدن عبارت است از: برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه، به‌گونه‌ای که تصادم‌ها و تراحم‌های ویرانگر منتفی گردد و مسابقه در مسیر رشد و کمال جایگزین آن شود، به‌طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه موجب بروز و به فعالیت رسیدن استعدادهای سازنده آنان باشد» (جعفری، ۱۳۷۳، ۲۳۳/۶). ولایتی تمدن را چنین تعریف می‌کند: «تمدن عبارت است از: پیشرفت و توسعه همه جانبه ناشی از مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی بشرکه حاصل تعالی فرهنگی و پذیرش نظم اجتماعی است» (ولایتی، ۱۳۸۶، ۲۲/۱).

۲-۳. تمدن اسلامی

تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور اسلام استوار باشد. این تمدن بر پایه نگرش توحیدی و مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی شکل گرفته است و انسان را به سوی سعادت و کمال سوق می‌دهد (جان‌احمدی، ۱۳۸۸، ص ۵۱-۵۲). مقام معظم رهبری ط تمدن اسلامی را چنین توصیف می‌فرماید: «تمدن اسلامی فضایی است که انسان در آن، به لحاظ معنوی و مادی، می‌تواند رشد کند و به غایت مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غاییات خلق کرده است؛ زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد؛

انسانی عزیز، دارای قدرت، اراده، ابتکار و سازندگی در جهان طبیعت باشد. تمدن اسلامی به این معناست و هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی نیز همین است» (بیانات مقام معظم رهبری ط، ۲۲/۳/۱۳۸۳). مراد از تمدن اسلامی، همه دستاوردهای مسلمانان در ابعاد گوناگون اقتصادی، فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، اخلاقی، مادی و معنوی، صنعت، اختراعات و اکتشافات است که از عصر پیامبر ص آغاز شد و با گسترش قلمرو اسلامی از مرزهای غربی چین تا اندلس را دربر گرفت (اکبری و رضایی، ۱۳۹۴، ص ۸۵-۱۰۸).

۴-۲. مردم سالاری دینی

مردم سالاری دینی، اصطلاحی نوپدید در گفتمان سیاسی معاصر است که برخاسته از مبانی سیاسی اسلام و آموزه‌های نبوی و علوی است. هدف آن، حفظ حقوق مردم در عرصه سیاست و اداره امور جامعه در چارچوب اصول دینی و پرهیز از معايب دموکراسی غربی است. در واقع، مردم سالاری دینی عبارت است از: حاکمیت یافتن اراده مردمی که در چارچوب ارزش‌ها و هنجارهای دینی، نظام سیاسی خود را آزادانه برگزیده‌اند. از مهم‌ترین ویژگی‌های آن، حفظ کرامت انسان، عدالت‌محوری، برابری قانونی بر اساس شریعت الهی، مشارکت مردم در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی، نظارت بر قدرت سیاسی و پاسخ‌گویی مسئولان در برابر مردم است (آقایی میبدی و کریمی‌والا، ۱۳۹۷، ص ۲۹).

مقام معظم رهبری ط در تبیین شأن حاکمیتی مردم در نظام مردم سالاری دینی می‌فرماید: «اولاً مردم سالاری دینی دو چیز نیست؛ این طور نیست که ما دموکراسی را از غرب بگیریم و به دین سنجاق کنیم تا بتوانیم مجموعه کاملی داشته باشیم؛ نه، خود این مردم سالاری هم متعلق به دین است. انتخاب مردم یکی از دو بخش مردم سالاری دینی است؛ مردم بایستی انتخاب کنند، بخواهند، بشناسند و تصمیم بگیرند تا تکلیف شرعی درباره آنها منجز بشود. بخش دیگر مردم سالاری دینی این است که حالا بعد از آن که من و شما را انتخاب کردند، ما در قبال آنها وظایف جدی و حقیقی داریم» (خامنه‌ای، ۱۳۷۹). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز که جمهوریت نظام را تأیید و تضمین کرده است، اصل تفکیک قوا،

محوریت مردم در شکل‌گیری نظام و اداره امور کشور با اتكای بر آرای عمومی را پذیرفته و تمهیداتی را برای محدود کردن قدرت دولت‌ها، مقابله با استبداد، نهادینه‌سازی آزادی، جلوگیری از فساد و سوءاستفاده از قدرت پیش‌بینی کرده است.

۲-۵. گفتمان

واژه گفتمان ترجمه واژه فرانسوی Discours و هم‌ریشه با واژه لاتین Discursus است که به معنای «گذر» یا «حرکت از جایی به جای دیگر» می‌باشد. در تعریف، گفتمان را می‌توان چنین بیان کرد: «فضای ذهنی و زبانی مسلطی که مردم در یک دوره خاص تاریخی با آن سخن می‌گویند». گفتمان مجموعه‌ای در هم‌تنیده از سه عنصر عمل اجتماعی، عمل گفتمانی (تولید، توزیع و مصرف متن) و متن است (باقی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۵).

۳. حکومت‌های دینی و نقش مردم در آن

«حکومت» و «حاکمیت» از ارکان بنیادین هر دولت – کشور به شمار می‌آیند. مفهوم حاکمیت عبارت است از: سیطره اراده برتر بر قلمروی سرزمینی معین، به‌گونه‌ای که هیچ اراده رقیب اجتماعی فراتر از آن وجود نداشته باشد و از نظر بیرونی نیز تحت سلطه یا آمریت دولت دیگر قرار نگیرد (عالم، ۱۳۷۵، ص ۱۴۵). با توجه به حضور دین در ابعاد گوناگون زندگی انسان، اجرای کامل احکام و مقررات دینی و دستیابی به اهداف آن جز با برقراری حکومتی مبتنی بر دین امکان‌پذیر نیست. کشورهای اسلامی عموماً دارای حکومت‌هایی مبتنی بر دین هستند و هر یک با نظام‌های سیاسی و حقوقی گوناگون، برگرفته از مبانی فقهی مذاهب مختلف اسلامی، اداره می‌شوند. با نگاهی اجمالی به این مبانی، می‌توان نقش مردم در تعیین حاکم و نظام حکومتی را بررسی کرد. مذاهب اهل سنت برای انتخاب حاکم، چهار مبنا قائل‌اند: تشکیل شورای حل و عقد؛ انتخاب جانشین توسط خلیفه حاضر؛ قهر و غلبه؛ و ایجاد شورا توسط خلیفه سابق برای تعیین حاکم جدید. در همه این موارد، بیعت مردم شرط تکمیل مشروعيت حاکم است. در میان سه جریان اندیشه سیاسی معاصر، فقه شیعه دو الگو را برای

انتخاب حاکم مشخص می‌کند: نظریه ولایت فقیه، و نظریه وکالت مالکان شخصی مشاع.

(آهنگان، و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۲۸؛ مصطفوی، ۱۳۸۶)

۴. گفتمان و تفاوت‌های دینی و مذهبی

چون بحث پژوهش حاضر ناظر به الگوسازی حکومت دینی و چگونگی ارائه آن در عرصه گفتمان تمدنی است، توجه به روابط میان فرقه‌های اسلامی با یکدیگر و نیز روابط آنها با سایر مذاهب و ادیان اهمیت ویژه‌ای دارد. در این زمینه، بررسی اشتراکات و تقویت آنها از سویی و تحلیل علمی و مستدل تعارضات و اختلافات از سوی دیگر، ضرورت دارد. چنانچه اختلافات وجود داشته باشد، باید جنبه‌های کلامی، مذهبی، سیاسی و جامعه‌شناسی آنها در قالب گفتمان مورد تحلیل قرار گیرد تا به هم‌گرایی و تقریب میان دیدگاه‌ها منجر شود.

۵. مردم‌سالاری دینی

۵-۱. مبانی مردم‌سالاری دینی

برای ورود به بحث، لازم است ابتدا مسیر اندیشه سیاسی امام خمینی رهنماهی به عنوان نظریه‌پرداز این الگو را بررسی کرد تا رویکرد ایشان نسبت به حکومت تبیین شود. اصل توحید، محور اصلی جهان‌بینی امام خمینی رهنماهی است؛ بنابراین، تمامی شئون زندگی سیاسی و الگوی مطلوب حکومت باید بر اساس این اصل توضیح داده شود. در دیدگاه توحیدی اسلام، دولت و حکومت در قالب امامت مطرح می‌شود و حاکمیت انسان بر سرنوشت جمیع خویش از دو نوع رابطه انسان با خدا نشئت می‌گیرد: نخست، رابطه در بعد هدایت الهی که با نصب و معرفی انبیا و امامان علیهم السلام تحقق می‌یابد. دوم، رابطه در بعد خلقت انسان که براساس آن، انسان آزاد و حاکم بر سرنوشت خویش آفریده شده است تا در پرتو آزادی توأم با مسئولیت، راه هدایت انبیا را برگزیند و از این طریق، اراده خدا – یعنی شریعت و قانون الهی – را بر سرنوشت خویش حاکم سازد.

در دیدگاه توحیدمدار امام خمینی رهنماهی، جهان هستی بر محور «عدل» استوار است؛ زیرا طبق تعالیم الهی و قرآنی، نظام آفرینش و جهان خلقت عبث و بیهوده نیست. یکی از مباحث اساسی در اندیشه امام خمینی رهنماهی، اعتقاد به ضرورت تشکیل حکومت اسلامی است؛ زیرا اجرای احکام دینی که ضامن سعادت انسان است، بدون تشکیل حکومت تحقق نمی‌یابد.

امام خمینی رهنماهی هدف کلی حکومت را ایجاد شرایط مساعد برای تعالی و سعادت انسان‌ها می‌داند؛ شرایطی که در آن، افراد مؤمن تربیت شوند، توسط مربیانی که محتوای آموزش آنها مبتنی بر احکام الهی است. غایت این تعلیم و تربیت، رسیدن به کمال و سعادت اخروی است (عیوضی و مرزبان، ۱۳۹۵، ص ۱۲۲).

اصل دوم قانون اساسی، نظام جمهوری اسلامی را بر اصول توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت بنادرده است. این اصول، رفتار و ساختار نظام را به جهان‌بینی خاصی متصل می‌سازد که در آن، جهان مخلوق خداوند یکتاست و انسان‌های کامل (پیامبران و امامان علیهم السلام) از سوی خداوند مسئول هدایت بشر هستند. اعمال و رفتار انسان‌ها بر اساس عدالت سنجیده می‌شود و در روز قیامت، همگان نتیجه اعمال خود را خواهند دید. اصل پنجم و ششم قانون اساسی، حاکمیت مطلق بر جهان و انسان را از آن خداوند می‌داند و بیان می‌کند که خداوند اراده کرده است انسان‌ها مختار، آزاد و تصمیم‌گیر باشند. در عین حال، صفات خداوند و اراده او اقتضا می‌کند که مسیر درست هدایت انسان‌ها تبیین گردد. براین اساس، هیچ‌کس حق ندارد این حق خدادادی را از انسان‌ها سلب کند یا آن را در مسیری غیر از هدایت قرار دهد، مانند آنکه حاکمیت ملت در خدمت منافع فرد یا گروه خاصی درآید.

۲-۵. نظریه مردم‌سالاری دینی

هر نظریه سیاسی باید به مسئله «نوع و شکل حکومت مطلوب» پاسخ دهد. در آموزه‌های دینی، ویژگی‌ها و وظایف حکومت بیان شده است، اما در مورد تعیین یک نوع خاص از حکومت به عنوان شکل مطلوب، دستور قطعی از سوی شارع مقدس وجود ندارد؛ زیرا شریعت، متضمن امور ثابت دین است و شکل حکومت با توجه به تحولات جوامع، قابل تغییر

و تطبیق است. از نظر امام خمینی رهنما، شکل حکومت اسلامی نخست با الهام از سیره حکومتی پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین صلوات الله علیه و آله و سلم، سپس با توجه به شرایط و مقتضیات زمان، و در نهایت با مراجعه به آرای ملت و اتکا بر نظر آنان تعیین می‌شود. بر همین مبنای ایشان «حکومت جمهوری اسلامی» یا همان «نظام مردم‌سالاری دینی» را پیشنهاد می‌دهد. (ضمیری، ۱۳۸۸، ص ۱۴۶) در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز، ملزمات و شرایط مرتبط با این نظریه در مواد مختلف مورد اشاره قرار گرفته است

۵-۳. تفاوت مردم‌سالاری دینی و دموکراسی

همان طورکه در بخش مفاهیم و نیز در سخنان مقام معظم رهبری له اشاره شد، هرچند مردم‌سالاری دینی و دموکراسی در برخی جنبه‌های ظاهری شباهت‌هایی دارند، اما از نظر مبانی نظری، اهداف، و منابع مشروعیت با یکدیگر تفاوت بنیادین دارند. در مردم‌سالاری دینی، حاکمیت مردمی در چارچوب ارزش‌ها و احکام الهی تحقق می‌یابد، در حالی‌که در دموکراسی غربی، محور تصمیم‌گیری خواست اکثریت است، حتی اگر با اصول اخلاقی یا ارزش‌های معنوی در تعارض باشد. مردم‌سالاری دینی جامعیت لازم برای تأمین سعادت دنیوی و اخروی انسان را داراست، در حالی‌که دموکراسی سکولار، مبتنی بر فردگرایی و اومانیسم، آزادی فردی را تا مرز تعارض با مصالح جمیع و اخلاقی گسترش می‌دهد. بنابراین، مردم‌سالاری دینی رانمی‌توان شکل اسلامی دموکراسی غربی دانست، بلکه باید آن را نظریه‌ای مستقل با مبانی وحیانی، الهی و عدالت محور تلقی کرد.

۶. ویژگی‌های یک حکومت با سیاست مطلوب

۶-۱. دیدگاه امام خمینی رهنما درباره ویژگی‌های یک حکومت با سیاست مطلوب «سیاست مطلوب» از نظر امام خمینی رهنما، در چارچوب حکومتی دارای ویژگی‌هایی است که عبارتند از: سعادت محور بودن، توجه به هر دو بعد مادی و معنوی انسان، ایجاد جامعه‌ای مناسب برای رشد و تکامل انسان بالحاظ هر دو بعد وجودی او، رعایت مصالح دنیا و آخرت

عموم انسان‌ها، پرهیز از سلطه‌گری ناروا، ابتنا بر قسط و عدل، نفی هرگونه ظلم، استبداد و استثمار، و در نهایت، اجرای حدود الهی در جامعه. (ضمیری، ۱۳۸۸، ص ۱۴۴) از منظر امام رهنماهی، سیاست باید در خدمت تربیت انسان، گسترش عدالت و تحقق ارزش‌های الهی باشد، نه در خدمت قدرت یا منافع شخصی.

۶-۲. ویژگی حکومت با حکمرانی مطلوب در تعاریف بین‌المللی

در عرصه گفتمان بین‌المللی، مفهوم «حکمرانی مطلوب (Good Governance)» به مجموعه‌ای از ویژگی‌های مشترک در نظام‌های سیاسی اشاره دارد که ضامن سلامت، پایداری و مشروعیت آن‌هاست. بانک جهانی در سال ۲۰۰۶، شاخص‌های حکمرانی مطلوب را در سه محور عمدۀ بیان کرده است:

جامعیت و پاسخ‌گویی در سه بخش کلیدی: انتخابات، پاسخ‌گویی و جابه‌جایی مسالمت‌آمیز حاکمان (شامل اظهار نظر و پاسخ‌گویی، پایداری و فقدان خشونت).
کارآمدی نهادها، قوانین و مدیریت منابع، همراه با احترام به نهادهای مدنی و تعامل سازنده میان کنشگران جامعه، تجارت و سیاست (کنترل فساد و برابری حقوقی).
پاسخ‌گویی در برابر مردم، به عنوان معیار اصلی مشروعیت.

برنامه عمران سازمان ملل متحد (UNDP) نیز در تعریف حکمرانی خوب، ویژگی‌های زیر را بیان می‌کند: «قاعدۀ مندی، شفافیت، پاسخ‌گویی، کارآمدی و انصاف...؛ ترویج برابری حقوقی؛ و تضمین اینکه اولویت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بر اساس اجماع جمیع تعیین شود و نظرات فقرا و افراد آسیب‌پذیر در تصمیم‌گیری‌های مربوط به تخصیص منابع توسعه مورد توجه قرار گیرد» (غلامی مقدم و شریف‌شاهی، ۱۴۰۲، ص ۸۳-۹۸). با بررسی تعاریف گوناگون می‌توان دریافت که در تمامی دیدگاه‌ها، عناصر مشترکی همچون نقش مردم، مشارکت عمومی، عدالت، شفافیت و پاسخ‌گویی به عنوان معیارهای اصلی حکومت مطلوب شناخته می‌شوند.

۶-۳. تفاوت میان حکومت و حکمرانی

هرچند واژه های «حکومت» و «حکمرانی» گاه به صورت مترادف به کار می روند، اما از نظر مفهومی تفاوت هایی بین این دو وجود دارد. با وجود تفاوت های مفهومی، در این پژوهش، به سبب اشتراک های فراوان میان مؤلفه های «حکمرانی مطلوب» و ویژگی های «حکومت مبتنی بر نظریه مردم سالاری دینی»، این دو واژه در برخی موارد به صورت مترادف در نظر گرفته شده اند.

۷. حکومت مردم سالاری دینی و کارآمدی حقوقی آن

۷-۱. کارآمدی حقوقی و مقصود از آن

مفهوم کارآمدی در بخش مفاهیم از دو حیث تئوریک و عملی تبیین شد. با توجه به اینکه موضوع این بحث، نظریه ای حکومتی است که خود مبنا و مرحله ای پیش از تدوین قانون به شمار می رود، مراد در اینجا کارآمدی تئوریک است. کارآمدی حقوقی را می توان چنین تعریف کرد: مجموعه اهداف و ظرفیت های یک نظریه یا نظام حکومتی در حوزه حقوقی که توانایی تأمین نیازها و حقوق اساسی مردم را در چارچوب قوانین و ارزش های پذیرفته شده دارد است.

۷-۲. حق تعیین سرنوشت، حق نظارت و حق مشارکت سیاسی

نخستین گام در ایجاد هر نظام سیاسی، تعیین شکل حکومت و نقش مردم در انتخاب آن است. نظریه مردم سالاری دینی از آغاز، این مسئله را مدنظر داشته است؛ به گونه ای که شکل حکومت جمهوری اسلامی، تجلی همین اصل به شمار می رود. امام خمینی رهنگان علیه السلام در این باره می فرماید: «از حقوق اولیه هر ملتی است که باید سرنوشت و تعیین شکل و نوع حکومت خود را در دست داشته باشد، و طبیعی است چون ملت ایران بیش از نود درصد مسلمان اند، باید این حکومت بر پایه های موازین و قواعد اسلامی بنا شود» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ص ۳۷۸).

همچنین در فصول مختلف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نظارت و مشارکت سیاسی

مردم به روشنی تبیین شده است که هر یک از آنها خود مبحثی مستقل و گسترده را در بر می‌گیرد.

۷-۳. پیامدهای حقوقی در حوزه فردی

حکومت مبتنی بر مردم‌سالاری دینی بالحاظ حقوق اساسی و شهروندی برای تمامی افراد جامعه، تأمین‌کننده حقوق فردی آنان است. این حقوق عبارتند از: حقوق اساسی؛ آزادی فردی در چارچوب قوانین دینی؛ مشارکت سیاسی (یعنی میزان مشارکت مردم در امور کشور از مهم‌ترین شاخصه‌های حکومت مردم‌سالار است و از طریق نهادهای قانونی، مستقیم یا غیرمستقیم تحقق می‌یابد. مشارکت می‌تواند به صورت آزادی بیان، تنوع دیدگاه‌ها، سازماندهی جامعه مدنی و... بروز کند)؛ حقوق اقلیت‌ها؛ حق دسترسی به مناصب و مشاغل مهم و کلان سیاسی و حکومتی از طریق انتخابات سالم؛ شناسایی حقوق مدنی و سیاسی؛ حق نظارت عمومی بر تصمیم‌های جمعی و عملکرد مقامات؛ و حق رفتار برابر و منصفانه در برابر قانون.

۷-۴. پیامدهای حقوقی در حوزه جامعه

نظام مردم‌سالاری دینی در حوزه اجتماعی نیز تأمین‌کننده حقوق و آزادی‌های عمومی است. برخی از مهم‌ترین مصادیق آن عبارت‌اند از: پذیرش اصل تفکیک قوا و برقراری تأثیر و تأثیر متقابل و منطقی میان آنها؛ وجود احزاب سیاسی نماینده گروه‌های اجتماعی؛ استقرار رسانه‌های آزاد جمعی؛ تشکیل نهادهای مدنی و سازمان‌های غیردولتی؛ وجود محاکم و قضات مستقل که حافظ حقوق و آزادی‌های مردمی باشند؛ ایجاد نظام پاسخ‌گویی مؤثر سیاسی، حقوقی، اداری و مالی؛ و تشکیل نهادهای ناظر و بازرسی‌کننده مستقل. (زارعی، ۱۳۸۳)

۷-۵. حقوق ملت در قانون اساسی ایران؛ مصدق علی حکومت مبتنی بر مردم‌سالاری دینی قانون اساسی هر کشور، سند عالی و مرجع کل نظام آن است. برای بررسی تحقق عملی نظریه مردم‌سالاری دینی در ساختار جمهوری اسلامی ایران، باید به اصول فصل سوم قانون اساسی

با عنوان «حقوق ملت» توجه کرد. در این فصل، حقوق فردی و اجتماعی مردم به تفصیل بیان شده است. مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

(اول) حق برابری همه مردم در برابر قانون (اصول ۱۹ و ۲۰)

اصل ۱۹: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود».

اصل ۲۰: «همه افراد ملت، اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند».

(دوم) حقوق ویژه زنان (اصل ۲۱): «دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او؛
حمایت از مادران، بهویژه در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان

بی‌سرپرست؛

ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده؛

ایجاد بیمه خاص برای بیوہ‌گان، زنان سالخورده و بی‌سرپرست؛

اعطای قیومیت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطة آنان در صورت نبود ولی شرعی».
سوم) حق برخورداری از امنیت و مصونیت نسبت به حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و

شغل (اصل ۲۲): «حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در
مواردی که قانون تجویز کند».

چهارم) حق آزادی‌های فکری و عقیدتی و منع تفتیش عقاید (اصل ۲۳): «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد».

پنجم) حق آزادی بیان، قلم و مطبوعات در حدود مقرر در اسلام (اصل ۲۴): «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون معین می‌کند».

ششم) حق مصونیت از تجسس (اصل ۲۵): «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون».

هفتم) حق آزادی تشكل‌ها، احزاب و اجتماعات (اصول ۲۶ و ۲۷)

اصل ۲۶: «احزاب، جمیعت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط بر آنکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند».

اصل ۲۷: «تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است».

هشتم) حق آزادی کار و تأمین اجتماعی (اصول ۲۸ و ۲۹): «هر کس حق دارد شغلی را که به آن مایل است و مخالف اسلام، مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال و شرایط مساوی برای احراز مشاغل فراهم آورد».

نهم) حق آموزش و پرورش رایگان (اصل ۳۰): «دولت موظف است وسائل آموزش و پرورش رایگان را تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و تحصیلات عالی را تا حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد».

دهم) حق برخورداری از مسکن (اصل ۳۱): «داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای نیازمندان، به ویژه روستاییان و کارگران، زمینه اجرای این اصل را فراهم کند».

یازدهم) حق انتخاب محل اقامت (اصل ۳۳): «هیچ کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش منع کرد یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر دارد.»

دوازدهم) حقوق برخورداری از امنیت و امنیت قضایی (اصول ۳۲ تا ۳۹): از جمله حق برائت، منع شکنجه، منع هتك حیثیت و تعرض، حق دادخواهی، انتخاب وکیل و مراجعته به دادگاه‌های صالح.

اصل ۲۳: «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافصله کتبای به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداقل ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. مตلاف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.»

اصل ۳۴: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعته به آن را دارد منع کرد.»

اصل ۳۶: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.»
اصل ۴۰: رعایت حقوق دیگران؛

اصول ۴۱ و ۴۲: حق تابعیت

این اصول، مجموعه جامعی از حقوق ملت در نظام مردم‌سالاری دینی را ترسیم می‌کند که نشان‌دهنده کارآمدی حقوقی این الگوست.

۸. نتیجه‌گیری

با بررسی ویژگی‌های حکومت مطلوب از دیدگاه امام خمینی رهنماه علیه السلام به عنوان نظریه‌پرداز مردم‌سالاری دینی، و مقایسه آن با معیارهای حکمرانی مطلوب در سطح بین‌الملل و اصول

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، می‌توان چنین نتیجه گرفت که نظام مردم‌سالاری دینی با در نظر گرفتن حقوق بنيادین مانند حق تعیین سرنوشت، حق نظارت، مشارکت سیاسی، و نیز مجموعه حقوق فردی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و قضایی، الگویی جامع از حکمرانی ارائه می‌دهد که هم مشروعيت الهی دارد و هم از مقبولیت مردمی برخوردار است. به لحاظ نظری، این نظام قادر است میان حق و تکلیف توازن برقرار کند و حقوق افراد را در عالی‌ترین مرجع قانونی خود تضمین نماید. از نظر عملی نیز، در صورتی که موانع اجرایی و چالش‌های ساختاری آن شناسایی و اصلاح شود، می‌تواند به عنوان الگوی مطلوب حکومتی برای جوامع اسلامی و دیگر کشورهایی که در پی تلفیق دین، عدالت و مردم‌سالاری‌اند، مطرح شود. البته باید توجه داشت که در مسیر تحقق کامل این نظریه، تفاوت‌های فقهی، کلامی و سیاسی میان مکاتب و مذاهب اسلامی می‌تواند تأثیرگذار باشد و از این‌رو، گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی باید با رویکرد تقریب‌گرایانه و وحدت‌بخش به این تفاوت‌ها بنگرد. به طورکلی، آنچه از مجموع بحث‌ها به دست می‌آید این است که نظام حکومتی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی، با در نظر گرفتن حقوق فردی و اجتماعی افراد و تکالیف آنان در رابطه دوسویه با حاکمیت، از کارآمدی حقوقی لازم برخوردار است تا ارزش‌های الهی و مردمی خود را در قالب حاکمیت اسلامی به منصه ظهور رساند و در مرحله سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری، این ظرفیت‌ها را به شکل عینی متجلی سازد.

فهرست منابع

۱. اکبری، مرتضی.، و رضائی، فریدون (۱۳۹۴). واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری للہ، فصلنامه علمی مطالعات الگویی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۳(۵)، ۸۵-۱۰۸.
۲. آقایی میبدی، احمد.، و کریمی والا، محمدرضا (۱۳۹۷). تبیین مبانی نقلی و عقلی مردم‌سالاری دینی. فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۷(۲۶)، ۲۷-۴۸.
۳. آهنگران، محمد رسول.، و بیروتی، محمد و دیگران (۱۴۰۱). بررسی مبانی فقهی تشکیل حکومت در مذاهب اسلامی با تأکید بر نقش عقل. مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۲(۵)، ۱۱۷-۱۳۸.
۴. باقی، عمال الدین (۱۳۸۳). گفتمان «گفت و گو» در اسلام. مجله جامعه شناسی ایران، ۱۵(۱)، ۱۱۴-۱۴۵.
۵. جان احمدی، فاطمه (۱۳۸۸). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. تهران: انتشارات نشر معارف.

۶. جعفری، علامه محمدتقی (۱۳۷۳). فرهنگ پیرو- فرهنگ پیشو. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۷. حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای. برگرفته از سایت www.khamenei.ir.
۸. زارعی، محمدحسین (۱۳۸۳). حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت ایران. *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ۷، ۴۰.
۹. شبان‌نیا، قاسم (۱۳۹۷). استنایمات کارآمدی جمهوری اسلامی ایران در حوزه «جمهوریت» در دهه پنجم، *فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی*، ۱۱، ۵۵-۳۵.
۱۰. ضمیری، عبدالحسین (۱۳۸۸). حکمرانی مطلوب در اندیشه سیاسی امام خمینی رهبر اسلام. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی معاونت پژوهشی دفتر گسترش تولید علم.
۱۱. عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۵). بنیادهای علم سیاست. تهران: نشرنی.
۱۲. عمید، حسن (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید. تهران: انتشارات اشجع.
۱۳. عیوضی، محمدرحیم. و مربیان، نازنین (۱۳۹۵). بررسی مؤلفه‌های حکمرانی خوب از منظرا مام خمینی رهبر اسلام. *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۱۹، ۱۱۷-۱۳۸.
۱۴. غلامی مقدم، زهرا، شریف‌شاهی، محمد. و دیگران (۱۴۰۲). مؤلفه‌هایی از اصول حکمرانی خوب مؤثر بر قوای تقینی، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۱۴، ۵۷-۸۳.
۱۵. فوزی، یحیی. و صنم‌زاده، محمود رضا (۱۳۹۱). تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی رهبر اسلام. *فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ و فرهنگ تمدن اسلامی*، ۹، ۷-۴۰.
۱۶. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). *التحقيق في كلمات القرآن*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۷. مصطفوی، سید محمد (۱۳۸۶). درآمدی بر تئوری‌های حاکمیت و دولت از منظر اسلام. مترجم: بهزادیان، مهدی. قم: سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور.
۱۸. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رهبر اسلام.
۱۹. ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۴). پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران. تهران: وزارت امور خارجه.